تحقیق در مورد حسایداری مدیریت کیفی: منطق، مشکلات و فرصت ها

آن لیلیس

دانشکده حسابداری و سیستم های اطلاعات کسب وکار

دانشگاه ملبورن، ملبورن، استرالیه

(2013)

چکیده

**هدف** – هدف این مقاله تفسیری بر " تحقیق در مورد حسایداری مدیریت کیفی: منطق، مشکلات و فرصت ها " یک مقاله از جوهانی وایویو است.

**طراحی/متدولوژی/روش** – روش کشیدن یک پارادایم تحقیق جایگزین برای گسترش تعریف و بحث در تحقیق کیفی در حسابداری مدیریت است.

**یافته ها** – این مقاله بر بسیاری از تجویزات وایویو صحه می گذارد اما تعریف و بحث در تحقیق کیفی در حسابداری مدیریت را برای شناخت کلی تر مرزهای نامشخص تحقیق میدانی و شمولیت بیشتر تحقیقات میدانی کیفی از یک دید مثبت/عملگرا گسترش می دهد. به صورت مشابه نیاز برای تحقیق میدانی برای به چالش کشیدن کتاب مرجع، اقتصاد و نمایش مشاوره ای حسابداری مدیریتی پذیرفته شده اما بازه کاتالیزگرها برای روشن کردن پتانسیل برای تحقیق کیفی ساخته شده بر تحقیق موجود کیفی و کمی گشترش داده شده است. این مقاله همچنین برای گسترش بحث خواص طراحی تحقیق قانونی و روشهای جمع آوری داده و برای تاکید بر اهمیت منطبق بودن طرح تحقیق با سوال تحقیق تلاش می کند.

**اصلیت/ارزش** – مقاله بر ارزش تکثرگرایی(پلورالیزم) و شمولیت در انتخاب های روش و روش شناسی تاکید می کند.

کلید واؤه ها: تحقیق کیفی، حسابداری مدیریتی

**نوع مقاله**: زاویه دید

این مقاله زاویه دید بر تحقیق کیفی را در حسابداری مدیریت بررسی شده در Vaivio (2008) مورد ارزیابی قرار می دهد. هر مقاله ای که ادعای صحبت در مورد منطق، مشکلات و فرصت های بدنه اصلی یک تحقیق در حسابداری مدیریت را انجام دهد یک تلاش بسیار جاهطلبانه است. وایویو بینشی را بر اساس تجربه و انعکاس ارای می دهد. این بینش ها راهنمای مهمی برای محققان کم تجربه در حال آغاز کار در تحقیق کیفی هستند. هرچند، وایویو یک معرفت شناسی(epistemology) خاص را در حوزه تحقیق کیفی ارایه می دهد و معرفت شناسی او در سراس مقاله نهان است. به عنوان یک محقق کیفی از یک موضع معرفت شناسانه دیگر، من نقاط مشترک بسیار اما همچنین مکان های زیادی که بحث می تواند برای جا دادن بازه وسیع تری از حوزه ها و روش های تحقیق گسترش یابد را یافتم. مهم است که حدود بحث را وسعت بخشیم برای جای دادن بیشتر ارزش تحقیق کیفی خوب در حسابداری مدیریت که از بازه ای از دیدهای معرفت شناسانه برمی خیزد. منطق، مشکلات و فرصت های تلاش های تحقیقی ملاحظات پایه ای برای محققان بی تجربه هستند. تعادل و شمولیت حیاتی است در اطمینان از اینکه محققان از بحث در مورد سوالات جالب و چالشی منصرف نشده اند.

وایویو تحقیق کیفی را تشریح می کند در حالی که در ارتباط است با:

[. . .] کل سنت تخقیق تفسیری در حسابداری، به خصوص تحقیق موردی که بر مواد غنی تجربی جمع شده از یک سازمان خاص هدف یا یک مجموعه از سازمان های موردی استوار است [. . .]. این روش از چندین منبع شواهد استفاده می کند [. . .] هم چنین انواع رصد های شرکت کنندگان در محیط تحقیق.

منطبق بر روشی که تحقیق کیفی جای دیگر تعریف شده است(Ahrens and Chapman, 2007) این نوع تعریف در خود ترجیح برای کابرد روش خاصی از تحقیق را منعکس می کند. جای دیگر در مجموعه مقالات، مرزهای عبارت مانند تحقیق کیفی/مطالعه میدانی و مطالعه موردی با هم اشتباه گرفته می شوند و تعاریف به هر نوع از تحقیق که در آن داده های اصلی طبیعت کیفی دارند اشاره می کند. تعاریف کیفی و تحقیق میدانی در حسابداری همچنین به صورت کلی برای اینکه از تحقیق انتظار داشته باشند تا با دنیای واقعی به گونه ای مرتبط باشد که حسابداری انتظار دارد پرجزییات هستند (Ferreira and Merchant, 1992; Atkinson and Shaffir, 1998) این تعریف وسیع تر از پیش تعریف نیازمندی ها در حول بنیاد معرفت شناسانه تلاش تحقیقی جلوگیری می کند(الزاما مفسرانه نیست)، تعداد "حالت ها" یا مکان های کانونی، فرم جمع آوری داده (مصاحبه در برابر رصد حاضران) و منابع مدارک استفاده شده. تمام تحقیقات کیفی توانایی گرفتن دسترسی کافی به سازمان ها را برای درگیر شدن در رصد حاضران ندارند. علاوه بر این آن ها قادر به جمع آوری چندین منبع داده که مرتبط با سوال مورد نظر آنها باشد را ندارند. این "شکستها" با ارزش تحقیق کیفی مصاحبه پایه خوب انجام شده سازش نمی کنند.

وایویو با پرسیدن این سوال شروع می کند: "چرا ما به تحقیق کیفی در حسابداری مدیریت نیازمندیم؟" او با ارجاع به محدودیت های تحمیل شده به وسیله کتب مرجع، علم اقتصاد و دیدهای مشاوره ای حسابداری مدیریت این سوال را پاسخ می دهد. او جستجو می کند که چگونه هر کدام از این "دیدهای" حسابداری مدیریتی نشان دهنده ی نمایش منظم، سترون(sterile)، ساده شده و ایده آل شده از عمل واقعی حسابداری مدیریت است و تحقیق کیفی را برای "مشکل دار کردن" این دیدها فرا می خواند. وایویو یک تحلیل تحریک آمیز از کتاب مرجع، علم اقتصاد و نمایش مشاوره ای حسابداری مدیریت ارایه می دهد. او به صورت قانع کننده ای در مورد نمایش به شیوه غیر یاری دهنده سترون از عملیات حسابداری مدیریت و سیاق سازمانی آن بدبین است. بعضی از ما که مطالعه میدانی را انجام می دهند به سرعت می آموزند که چقدر حقیقت سازمانی مطابقت کمی با نمایش به خوبی برنامه ریزی شده، ساختاریافته، منطقی و بهینه سازی شده کتب مرجع و زیر ساختهای علم اقتصاد دارد. ما مکررا می بینیم(یا باید انتظار داشته باشیم که ببینیم) عناصر کتاب مرجع حسابداری مدیریت و اقتصاد هردو در عمل در سازمان ها وجود دارند. هرچند ما بدون تفاوت، در مورد سیاق این عملیات ها با درگیر شدن در میدان عمل بیشتر یاد می گیریم و دانشجویان، همکاران و متخصصان ما احتمالا از تلاش ما برای مستند کردن مسیری که حقیقت سازمانی با تجویزات ایده آل شده ی کتب مرجع حسابداری و اقتصاد تعامل دارند سود می برند. وایویو پیشنهاد می دهد که ما از نمایش اقتصادی سیاق سازمانی حسابداری دست برداریم. علم اقتصاد یک نظم اساسی کلیدی حسابداری باقی می ماند. آن احتمالا برای تحقیق کیفی اعتبار با سیاقمند سازی(contextualizing) مفیدتر از رها کردن نمایش اقتصادی سازمان ها است. همچنین صحیح نیست که مطالعات کیفی می توانند تمام اعتبار حسابداری مدیریتی سیاقمند سازی را بگیرند. بسیاری از تحقیقات با کیفیت بالا و بر اساس بررسی در تئوری احتمالات به درک زمینه ای ما از حسابداری مدیریتی بسیار کمک کرده اند.

من همچنین با وایویو در مورد اینکه تحقیق کیفی نقش مهمی در آزمون منتقدانه تجویزهای هنجاری و بلاغت که در دید مشاورانه حسابداری پیچیده شده است دارد. من احتمال می دهم که بسیاری از ما با سطوح بالایی از ناامیدی در هنگام تلاش برای به کارگیری تجویز مشاورانه در سازمان های واقعی روبه رو شده باشیم. این تلاش ها نمایش دهنده ی پوچی بلاغی بیشتر مقالاتی است که از مشاوره سرچشمه گرفته است. تاثیر "دید مشاورانه" حسابداری مدیریتی در دو دهه گذشته بسیار چشمگیر بوده است. نیاز برای اینکه محققان این بلاغت را برای تحلیل منتقدانه نیرومند نشان دهند بسیار شدید است و تحقیق کیفی یک نقش واقعا کلیدی را در اینجا دارد.

بنابراین من موارد کمی را در مخالفت با بحث وایویو در این دیدهای محدود از حسابداری یافتم. هرچند من باور دارم که می توانم در دو مورد بر موارد مورد نظر وایویو بیافزایم. در ابتدا برای اشاره به کتاب مرجع، علم اقتصاد و دید مشاورانه از حسابداری، وایویو آشکارا برای "مسئله سازی کردن" (problematize) حسابداری می کوشد. در حالی که استفاده از تئوری اجتماعی مفسرانه برای مسئله سازی کردن عمل حسابداری یک کمک کلیدی تحقیق کیفی است، به هیچ وجه تنها کمک ممکن تحقیق میدانی در این حیطه نیست. در حقیقت برای محققان باور به اینکه بهترین چیزی که آن ها می توانند با رفتن به میدان به دست بیاورند این است که عمل حسابداری را مسئله سازی کنند می توانند بسیار مخرب روحیه باشد. وایویو به ما یک دید خوب از شیوه ویژه بنگاه های اقتصادی واقعی می دهد و فاصله ای که عمل واقعی از نمایش ایده آل شده و سبکوار دارد. هرچند مستند کردن رفتار ویژه، حتی رفتار جالب سازمانی ویژه همواره مفید نیست، و همواره در مقالات پذیرفته نمی شود. محققان به مقدار زیادی راهنمایی در اتصال رفتار سازمانی ویژه با تئوری و در استفاده از ترکیب رفتار ویژه و تئوری برای مشخص کردن یادگیری مفهومی از یک آزمایش میدانی در راه هایی که برای سایر محققان قابل انجام است نیازمندند.

مهمتر از آن این است که تمام تحقیقات میدانی به دنبال مسئله سازی کردن کار نیستند. مشخصات زمینه ای کلیدی سازمان ها که بر عمل حسابداری مدیریتی تاثیرگزار است الزاما مسئله سازی شده یا ویژه نیستند. وایویو به دید کتاب مرجع از حسابداری مدیریت به عنوان یک تکنولوژی عملی و کاربردی بی اعتناست. در حقیقت حسابداری مدیریت یک ابزار عملی و کاربردی است نه فقط یک ابزار سیاسی. بسیاری از کاربردهای عملی حسابداری مدیریتی پیچیده هستند و نیازمند تحقیقات میدانی هستند. برای نمونه فرصت هایی برای دیدن فرم های سازمانی جدید، چیدمان زنجیره تامین جدید، خواص فرهنگ سازمانی و کاربرد حسابداری مدیریتی و سیستم های کنترل در یک بازه زمینه و محیط سازمانی احتمالا یک درک غنی از بسیاری از خواص عملیات حسابداری مدیریتی فراهم می کند. استفاده از تئوری ها از جامعه شناسی، روان شناسی و اقتصاد سازمانی در ترکیب با الگوها در عمل سازمانی می تواند بر روی پایه نظری بنا شود و آن را غنی کند و از آن در نهایت کتاب مرجع و منابع تجویز مشاوره ای نتیجه شود. تحقیق کیفی یک نقش روشن در معرفت شناسی تحقیق مثبت گرایانه(positivist) دارد و می تواند برای ایجاد تاثیر بسیار زیاد از یک دید مثبت گرایانه برای ساخت موارد غنی و جالب از حسابداری مدیریتی به عنوان یک تکنولوژی عملگرا استفاده شود. مثالهایی از مطالعات کیفی انجام شده بر اساس یک دید مثبتگرایانه/عملگرایانه شامل Simons (1990)، Merchant (1989) ، Bruns and McKinnon (1993)، Abernethy and Lillis (1995)، Anderson (1995)، Lillis (2002) ، Davila (2000) و Malina and Selto (2001) است. من به محققان ارجاع می دهم که جذب بنیان روش شناسانه ی تحقیق کیفی در حسابداری مدیریتی شده اند تا اینکه به بحث جذاب بین Scapens (1990, 1992) و Llewellyn (1992) در British Accounting Review توجه کنم.

نگرانی دوم من این است که کتاب مرجع، علم اقتصاد و دید مشاورانه از حسابداری تنها و الزاما اصلی ترین کاتالیزگر برای تحقیق کیفی نیستند. بسیاری از تحقیقات کیفی از سوالات بحث برانگیز برخواسته در زمان اجرا یا گزارش موارد تحقیقی که که از هیچ کدام از روش های کیفی و کمی استفاده نمی کنند-موارد غیرطبیعی، یافته های متناقض، دوانتخابی ها یا شرایط جدیدی که تامین کننده ی منبع بسیاری از تحقیقات کیفی هستند-سرچشمه می گیرند.مطالعات دیگر برخواسته از بحث های مفید اتفاقی در مورد عملیات های جالب یا چیدمان های سازمانی جدید که فرصت هایی را برای افزایش فهم ما از عمل حسابداری مدیریتی با دیدن آن از میان لنز جدید یا در کاربرد جدید هستند.

تعداد زیادی از تحقیقات کیفی سرچشمه گرفته از نارضایتی از بی حاصلی یافته شده در دید تجربی از تحقیقات بررسی گسترده یا مطالعات به شدت سبکوار کتابخانه ای است. محققات کیفی معمولا نتایج تحقیقات با پایه بررسی(survey) را مطالعه می کنند و عظمت را فقط در یک دید آماری حس می کنند. ما فورا می خواهیم که سوال های چگونه و چرایی که پشت سوالات "چی" یا "چه تعداد" پنهان شده اند و در بررسی های میان بخشی به آنها اشاره می شود را جستجو کنیم. وایویو به این نکته در نظریاتش در مورد خالی بودن بسیاری از تئوری های کلی که در میان جمعیت زیادی از سازمان ها پشتیبانی می شود اشاره می کند. هنگامی که ما در مورد نتایج مطالعات کتابخوانه ای می خوانیم سریعا می خواهیم که واقعگرایی و پیچیدگی را وارد کنیم و ببینیم چه پیش می آید. اینها کاتالیزگرهایی معتبر برای تحقیق کیفی هستند. محققان نباید هیچ وقت از دنبال کردن سوالات جالبی که از بدنه تحقیق یا عملیات از یک دید مثبت گرایانه یا تفسیری برمی خیزند منحرف شوند.

در حوزه مثبتگرایانه/عملگرایانه بدنه تحقیق ما می توانیم فرصت های بسیار را بیابیم که از ایده عملیات مسئله سازی دور می شوند. تحقیق کیفی می تواند برای ساخت فهم ما از "چرایی" و "چگونگی" عملیات حسابداری مدیریت، چگونه این عملیات ها به حالت واقعی سازمانی پاسخ می دهند و برای جستجوی منطقی که تکامل و تطبیق عملیات را به جلو می رانند استفاده شود. ما می توانیم درک بهتری از بعد تجربی ساخت های معمولا مطالعه شده بسازیم، ما می توانیم درون بینی هایی را در منطق پشت ارتباطات گزارش داده شده انجام دهیم و می توانیم به صورت احتمالی متغیرهای کلیدی حذف شده، که به ما برای درک نتایج مهم و غیر مهم آماری در مطالعات کمی کمک می کنند را تشخیص دهیم. در این بخش از تحقیق کمی و توسعه تئوری، وایویو به نظر کاملا متمرکز بر این نوع کار است و در بخش آخر بر احتمالات آینده که او به عنوان کاتالیزگر برای تحقیق در وجود بررسی و تحقیق موردی می بیند اما این ایده ها در تاکید بر مسئله سازی در اول مقاله کمتر مشهود هستند. وایویو در پایان اعتراف می کند که "با وجود طبیعت زمینه ای و تعریف تاریخی، عملیاتهای حسابداری مدیریتی نظم و پیشبینی پذیری را در زمینه های مختلفی نمایش می دهند." بنابراین حسابداری مدیریت در عمل تمام آن چیزی که باید مسئله سازی شود نیست. هرچند وایویو توصیه کوچکی را در ارتباط با پتانسیل تحقیق کیفی در حسابداری مدیریت که در این حوزه مسئله سازی نیست ارایه می دهد. قابل بحث است که تحقیقی که بر درک زمینه ای از عملیات ها و تحقیقهای معمول متمرکز شده است کشش بیشتری در پر کردن فاصله میان تحقیق و عمل دارد نسبت به تحقیقی که عملیات های ویژه را مستند و تفسیر می کند.

وایویو بخش دوم از تحقیقش را به توسعه اصول هدایت کننده برای انجام دادن تحقیق کیفی در عمل اختصاص داده است. در اینجا من نکات بسیار بیشتری را برای فراگیرتر کردن بحث می یابم. در حالی که من با ارزش اصول وایویو در حالات خاص مخالف نیستم، فکر می کنم که تجویزی بودن در روش های به شدت تعریفی تحقیق کیفی باعث ایجاد مشکل می شود. به یک معنا، من می خواهم دید وایویو از فرایند تحقیق کیفی را مسئله سازی کنم، همان طور که راه های زیادی را می یابم که در گرفتن راه های انجام تحقیق کیفی که در اشاره به بازه ای از سوالات تحقیقی درست بسیار موثر و مناسب هستند شکست می خورد.

وایویو به تفصیل در مورد خطرات مرتبط با تلاشهای تحقیق کیفی صحبت می کند. این خطرات در تحقیقات کیفی بسیار واقعی هستند و بر محققان کیفی لازم است که در تمریناتشان استراتژی های جلوگیری از ریسک موثر را اقتباس کنند. در جای دیگری با عنوان "انجام دادن لعنتی ترین کار"( Abernethy et al., 1999) اشاره شده است که محققان کیفی به ندرت دچار پشیمانی می شوند اگر به اندازه کافی به فهمیدن مجموعه مقالات و تئوری که در آن مطالعه آنها جاسازی شده است توجه کنند، مکان تحقیقشان را با دقت انتخاب کنند، زمانی را به توسعه ابزارات تحقیق اختصاص دهند، به دنبال تایید و نظرات همکارانشان در مورد فرایندها و ابزارهای تحقیق باشند و مهم تر از همه روش ها قدرتمندی را در مجموعه و تحلیل داده های کیفی انتخاب کنند. مشکل من با تجویزات وایویو در مورد مشروعیت دادن روشهای خاصی از انجام تحقیق کیفی هستند و با حذف، نادیده گرفتن روشهای جایگزین است. همچنین مشکل شامل عدم وجود بحث از ارتباطات حیاتی میان سوالات تحقیق و طراحی مطالعه است.

وایویو در مورد بده بستان عمق/پهنای مرتبط با انتخاب میان یک و چند حالت نظر داده است. در حالی که تعریف اولیه او به مطالعات یک حالته سود می رساند، او در این بخش مشارکت نسبی حالات تکی و چندتایی را متعادل کرده است. من این پیشنهاد را یافتم که مطالعات چند حالته در تئوری های ایجاد و مستحکم شده، ابزارها و پروتکل های تحقیقی بیشتری را نسبه به مطالعات یک حالته مبهم ایجاد می کند. در اینجا، انتخاب حیاتی باید بر حل مشکلات پهنا در مقابل مشکلات عمق در زمینه ی سوال تحقیق تمرکز کند. آیا سوال به شواهدی نیاز دارد که تنها می تواند با مقایسه وضعیت با و بدون خواص مشخص اثبات شود؟ این است، این سوالی است که جستجو می کند آیا عملیات های حسابداری مدیریت بر حضور خواص زمینه ای خاصی بستگی دارد؟ یا آیا سوال نیازمند مستندسازی و تفسیر یک عمل جدید حاضر در یک سازمان است؟ آیا باید عملیات به صورت عمیق جاسازی شود و آیا زمان و تحقیقات وسیع می خواهد تا درک شود؟ اگر اینگونه است پس عمق تحلیل بر نیاز به پهنا غلبه می کند. جایی که سوال تحقیق به عملیاتهایی که راحت تر در دسترس است مرتبط است، در این صورت مشغول شدن عمیق به یک سازمان مورد نیاز نیست و ارزش تشخیص الگوها در سازمان ها می تواند باعث انتخاب های موثرتری از مطالعات چند حالته باشد(Lillis and Mundy, 2005). برای نمونه اقتباسات اندازه گیری ساختاری و کارایی که پیاده سازی قابلیت ارتجاع صنعتی را ممکن می کند(Abernethy and Lillis, 1995) یک مطالعه چند حالته کیفی است که انتخاب طرح به صورت نیاز برای تحلیل مقایسه ای برای حالات با سطوح مختلف انعطاف پذیری و توانایی برای دسترسی به داده های مورد نظر بدون فرو رفتن عمیق در یک سازمان را لازم می کند.

در پروتکل های تجویز کننده ی مجموعه داده، وایویو در حالی که از عبارت تحقیرآمیز "بازدید از سایت" برای آن استفاده می کند منتقد مصاحبه های تکی/دوتایی در مکان های مورد تحقیق است. دوباره این کاملا بستگی به سوال دارد. بسیاری از تحقیقات بر اساس یک مطالعه متمرکز با پاسخ دهندگاه سازمانی مناسب ساخته شده اند. همان طور که در بالا بحث شد، بسیاری از سوالات نیاز به مطالعات عمیق تر در سازمان ندارند. داده هایی از مصاحبه های یک تا دوساعته هنوز هم کیفی هستند و هنوز هم می توانند یک درون بینی غنی را در سوالات مورد نظر محدود شده و متمرکز ارایه دهند. در پاسخ به مشاجره وایویو که زمان در میدان، خطر تهدیدات به اعتبار و باورپذیری را می کاهد، من توجه را به ماجرای سودمند فریب گزارش داده شده در Young and Selto (1993) جلب می کنم. حقیقت این است که پاسخ دهندگان می توانند به صورت خلع سلاح، صادق یا فریب دهنده باشند در یک مصاحبه یک ساعته یا در درگیری طولانی تر. وایویو همچنین آشکار می کند که مصاحبه کنندگان باید چندین پاسخ دهنده را مورد مصاحبه قرار دهند- "کافی نیست که برای مثال فقط مدیر ارشد را در مورد یک پیاده سازی هزینه یابی بر اساس فعالیت مورد مصاحبه قرار داد زیرا افراد در ‘طبقه فروشگاه’ می توانند داستان کاملا متفاوتی را برای تعریف داشته باشند." دوباره این بستگی به سوال دارد. کارمندان طبقه فروشگاه می توانند به احتمال زیاد تعدادی درون بینی مفید را در انگیزه برای اقتباس ABC، تعریف کنترل کننده های فعالیت و مخازن هزینه، انتظارات مرتبط با خروجی های پیاده سازی یا بازه کارهایی که داده های ABC باید استفاده شوند ارایه دهند. از طرف دیگر یک مطالعه چند سطح پهن پایه تر ممکن است برای مشخص کردن نتایج خواسته و ناخواسته از اقتباس لازم باشد. این به سادگی به سوال و حوزه ی مورد نظر بستگی دارد. در نهایت در ارتباط با مجموعه داده، وایویو سه گوش سازی(triangulation) منابع داده را تجویز می دهد. من مخالف نیستم که سه گوش سازی بسیار مورد نیاز است. هرچند همیشه ممکن نیست. نیاز برای مستندات درونی وسیع نوشته شده مانند دقایق ملاقات، یادداشت های درونی و... در حالی که می توانند به عنوان داده های تحقیق بسیار ارزشمند باشند، خود می توانند دسترسی را به مکان های تحقیق را به مصالحه برساند. دسترسی می تواند بسیار سخت به دست بیاید و زمان هایی هست که تحمیلات بر روی سازمان ها باید در کمترین حد نگه داشته شود تا این دسترسی ها را حفظ کند. سازمان ها ممکن است این را تهدیدآمیزتر بیابند که مستندات داخلی وسیعی را به محققان بدهند تا اینکه فاش سازی های دقیقی را در طول یک مصاحبه انجام دهند. به علاوه این حقیقت که مستندات به محققان داده شده است این را تضمین نمی کند که آن ها یک انعکاس همه جانبه از مستندات مرتبط در دسترس هستند و اینکه آنها یک دید پاک شده از وضعیت تحت مطالعه نیستند. تجربه من به عنوان یک منتقد این بود است که محققات کیفی مرتب به چندین منبع داده دسرسی دارند اما در آزمایشات نزدیک بسیاری از مستندات جمع آوری شده به صورت عمومی در دسترس هستند و ارتباط حاشیه ای با سوال تحقیق دارند.

احتیاط وایویو در ارتباط با شکست مطالعات کیفی برای ایجاد ارتباط ضروری به تئوری در تفسیر یافته ها آنی است که من با تمام قلبم قبول دارم. به عنوان یک منتقد مطالعه کیفی و یک مشاور در پایان نامه های کیفی، این معمولا پاشنه آشیل است! محققان به خوبی در تئوری خوب برجسته سرمایه گزاری می کنند، داده های مرتبط جمع آوری می کنند اما سپس در نهاین در ساخت "کلی سازی به تئوری" سخت اما حیاتی شکست می خورند. ارتباط دادن مشاهدات تجربی با تئوری که به مطالعه انگیزه داده است یک وظیفه تحقیقی اساسی است. برای محققان کیفی بسیار مهم است که بسیار عمیق در مورد معنی کلی سازی به تئوری، درمورد ارتباط میان مطالعه آنها و وجود تئوری و در مورد مشارکت نظری مطالعه بیاندیشند. اعتراف می شود که این یکی از ضعف های پایدار در مطالعات کیفی است و قدمی است که بسیار کم شناخته شده است. تحقیق کیفی در مورد داستان گویی نیست. هنوز در مورد استفاده از و مشارکت با تئوری است. یک بحث جالب در مورد نقش داستان ها و تئوری در تحقیق کیفی در Ahrens and Dent (1998) موجود است.

من نگرانی هایی در مورد تعریف وایویو از مشکل "بادسوار"( windsurfer) و ارتباط آن با تحقیق برخواسته از دید مشاورانه دارم. وایویو به صورت مجازی در مورد استفاده از شواهد سطحی که پیاده سازی محصولات مدیریتی مشهور را پشتیبانی می کند نگران است. هرچند تحقیق کیفی خوبی وجود دارد که محدودیت های راه حل های مشاوره ای را جستجو می کند. کار Malina and Selto’s (2001) در کارت امتیاز(scorecard) متعادل یک مثال است. همچنین مثالهایی از جمع آوری سطحی داده و تحلیل غیر حیاتی در مطالعات کیفی وجود دارد که از همه جا سرچشمه گرفته است. موضوع کلیدی اینجا اجبار محقق به آوردن تمرینات کافی و قدرتمند به وظیفه تحقیق است تا ذهن باز، دارای یک دید حیاتی و بدون کنترل توسط اعتقادات قبلی باشد. تحقیقات کیفی انجام هدایت شده با هر نوع طرز تفکر دیگر نه تنها در موضوع مصالحه کرده است همچنین نشان دهنده ی یک فرصت از دست رفته جدی است.

وایویو سوال بنیادی را ایجاد می کند-آیا تحقیق کیفی در حسابداری واقعا مهم است. جواب یک "بله" قاطع هست و تاکنون برای چند دهه بوده است. مهم تر این سوال است که ما چگونه غنای آزمایش میدانی و مشارکت های آن در مجموعه مقالات را استخراج و ردوبدل می کنیم. تحقیق کیفی پروتکل های مقرر شده ای را برای تحلیل داده و گزارش دهی دنبال می کند. تحقیقات کیفی از عدم ارجاع به این ساختارها و زبان های مشترک رنج می برند. آن ها باید به صورت وسیع مطالعه کنند تا هدایت را در راهبری تحقیق کیفی به دست بیاورند و بیاموزند که محققان کیفی در پارادایم های متفاوتی کار می کنند. این پارادایم ها کاربری هایی برای سوالات اشاره شده و روش های استفاده شده در جمع آوری داده، تحلیل و گزارش دهی دارند. محققان کیفی زمان زیادی است که بر برتری های پلورالیزم روش شناسانه اذعان دارند(وایویو هم همینطور). مهم است که پلورالیزم در حوزه تحقیق کیفی در حسابداری مدیریتی پذیرفته شود تا فرصت هایی برای دسترسی به غنای آزمایشات مطالعه میدانی جهت به پیش بردن مقالات باز شود.تحقیق میدانی نه تنها نیازمند جستجوی مسائل اجتماعی، جامعه ای و سیاسی است در حسابداری مدیریت بلکه همچنین نیاز به بررسی مسایل روزمره و کاربردی نیز دارد.

منابع و مآخذ

Abernethy, M.A. and Lillis, A.M. (1995), “The impact of manufacturing flexibility on

management control system design”, Accounting, Organizations and Society, Vol. 20 No. 4,

pp. 241-58.

Abernethy, M.A., Chua, W.F., Luckett, P.F. and Selto, F.H. (1999), “Research in managerial

accounting: learning from others’ experiences”, Accounting & Finance, Vol. 39 No. 1,

pp. 1-27.

Ahrens, T. and Chapman, C.S. (2007), “Doing qualitative field research in management

accounting: positioning data contribute to theory”, in Chapman, C., Hopwood, A.G. and

Shields, M.D. (Eds), Handbook of Management Accounting Research, Elsevier,

Amsterdam.

Ahrens, T. and Dent, J.F. (1998), “Accounting and organizations: realizing the richness of field

research”, Journal of Management Accounting Research, Vol. 10, pp. 1-39.

Anderson, S.W. (1995), “A framework for assessing cost management system changes: the case

of activity based costing implementation at General Motors, 1986-1993”, Journal of

Management Accounting Research, Vol. 7 No. 3, pp. 1-51.

Atkinson, A.A. and Shaffir, W. (1998), “Standards for field research in management accounting”,

Journal of Management Accounting Research, Vol. 10, pp. 41-68.

Bruns, W.J. and McKinnon, S.M. (1993), “Information and managers: a field study”, Journal of

Management Accounting Research, Vol. 5, pp. 84-108.

Davila, A. (2000), “An empirical study on the drivers of management control systems’ design in

new product development”, Accounting, Organizations and Society, Vol. 25, pp. 383-409.

Ferreira, L.D. and Merchant, K.A. (1992), “Field research in management accounting and control:

a review and evaluation”, Accounting Auditing & Accountability Journal, Vol. 5 No. 4,

pp. 3-34.

Lillis, A.M. (2002), “Managing multiple dimensions of manufacturing performance – an

exploratory study”, Accounting, Organizations and Society, Vol. 27 No. 6, pp. 497-529.

Lillis, A.M. and Mundy, J. (2005), “Cross-sectional field studies in management accounting

research – closing the gaps between surveys and case studies”, Journal of Management

Accounting Research, Vol. 17, pp. 119-41.

Llewellyn, S. (1992), “The role of case study methods in management accounting research:

a personal reflection and reply”, British Accounting Review, Vol. 24 No. 4, pp. 17-31.

Malina, M.A. and Selto, F.H. (2001), “Communicating and controlling strategy: an empirical

study of the effectiveness of the balanced scorecard”, Journal of Management Accounting

Research, Vol. 13, pp. 47-91.

Scapens, R.W. (1990), “Researching management accounting practice: the role of case study

methods”, British Accounting Review, September, pp. 259-81.

Scapens, R.W. (1992), “The role of case study methods in management accounting research:

a personal reflection and reply”, British Accounting Review, Vol. 24 No. 4, pp. 369-83.

Simons, R. (1990), “The role of management control systems in creating competitive advantage:

new perspectives”, Accounting, Organizations and Society, Vol. 15 Nos 1/2, pp. 127-43.

Vaivio, J. (2008), “Qualitative management accounting research: rationale, pitfalls and potential”,

Qualitative Research in Accounting and Management, Vol. 5 No. 1, pp. 64-86.

Young, S.M. and Selto, F.H. (1993), “Explaining cross-sectional workgroup performance

differences in a JIT facility: a critical appraisal of a field-based study”, Journal of

Management Accounting Research, Vol. 5, pp. 300-26.

Corresponding author

Anne Lillis can be contacted at: alillis@unimelb.edu.au